

# مکاتب فقہ امامی ایران

## پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله

تالیف:  
دکتر احمد پاکتچی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۵	مقدمه.....
۹	بخش اول: مباحث پیشینی.....
۱۱	فصل اول: مباحث روش شناختی.....
۱۱	۱-۱. روش نقد منابع و داده‌ها.....
۱۳	۲-۱. روش تمییز طبقات و زمانبندی.....
۲۱	۳-۱. روش استنباط گرایشهای مکتبی.....
۲۷	فصل دوم: مروری بر منابع تاریخی.....
۲۷	۱-۲. منابع برای شناخت شخصیتها.....
۳۱	۲-۲. منابع برای مطالعه آموزه‌ها.....
۳۵	فصل سوم: مروری بر زمینه‌های تاریخی.....
۳۵	۱-۳. گذاری بر تاریخی فرهنگی این دوره.....
۴۰	۲-۳. نفوذ فقه متکلمان امامیه در ایران.....
۴۷	۳-۳. نفوذ اندیشه فقهی شیخ طوسی در ایران.....
۵۱	۴-۳. اخباریان بازمانده‌های فقه حدیثگرا.....
۵۳	بخش دوم: مکتب فقهی متکلمان.....
۵۵	فصل اول: مکتب فقهی متکلمان در ری.....

- ۵۵ ..... ۱-۱. ویژگی های عمومی.....
- ۵۷ ..... ۲-۱. ابو عبدالله دوریستی.....
- ۶۳ ..... ۳-۱. محمد بن موسی دوریستی.....
- ۶۴ ..... ۴-۱. ابوالنجم سمان.....
- ۶۵ ..... ۵-۱. حسن بن اسحاق رازی.....
- ۶۷ ..... ۶-۱. رشید الدین رازی.....
- ۷۰ ..... ۷-۱. عبدالجلیل بن عیسی رازی.....
- ۷۲ ..... ۸-۱. کمال الدین مرتضی مرعشی.....
- ۷۳ ..... ۹-۱. خواجه آبی.....
- ۷۳ ..... ۱۰-۱. تاج الدین آبی.....
- ۷۴ ..... ۱۱-۱. عبدالجلیل قزوینی لرازی.....
- ۷۹ ..... ۱۲-۱. تاج الدین منتهی مرعشی.....
- ۷۹ ..... ۱۳-۱. عبدالله بن جعفر دوریستی.....
- ۸۱ ..... ۱۴-۱. اشرف الدین آبی.....
- ۸۲ ..... ۱۵-۱. خاندان دعویدار قمی.....
- ۸۷ ..... فصل دوم: مکتب فقهی متکلمان در قزوین.....
- ۸۷ ..... ۱-۲. ویژگی های عمومی.....
- ۸۸ ..... ۲-۲. حسین بن مظفر حمدانی.....
- ۹۱ ..... ۳-۲. امیرکا بن ابی الحجیم.....
- ۹۲ ..... ۴-۲. محمد بن هادی حسنی.....
- ۹۳ ..... ۵-۲. ناصر الدین حمدانی.....
- ۹۴ ..... ۶-۲. طالب بن علی ابهری.....
- ۹۴ ..... ۷-۲. سید عبدالله جعفری.....
- ۹۶ ..... ۸-۲. نظام الدین حمدانی.....
- ۹۶ ..... ۹-۲. محمد بن محمد حمدانی.....
- ۹۸ ..... ۱۰-۲. بهاء الدین طالقانی.....
- ۹۹ ..... فصل سوم: مکتب فقهی متکلمان در خراسان.....

۹۹	..... ۱-۳. ویژگی‌های عمومی
۱۰۰	..... ۲-۳. فتال نیشابوری
۱۰۷	..... ۳-۳. قاضی ابوعلی طوسی
۱۰۹	..... ۴-۳. امام مسعود صوابی
۱۱۵	..... ۵-۳. فضل بن حسن طبرسی
۱۲۷	..... ۶-۳. علی بن زید بیهقی
۱۳۲	..... ۷-۳. حمزه بن عبدالله طوسی
۱۳۳	..... فصل چهارم: مکتب فقهی متکلمان در طبرستان و گرگان
۱۳۳	..... ۱-۴. ویژگی‌های عمومی
۱۳۵	..... ۲-۴. ابوالقاسم طبری
۱۳۶	..... ۳-۴. منتهی بن ابی زید
۱۳۷	..... ۴-۴. مهدی بن ابی حرب حسینی
۱۴۱	..... ۵-۴. علی بن ابی طالب سیلقی
۱۴۱	..... ۶-۴. ابوطالب استرآبادی
۱۴۳	..... ۷-۴. حسن استرآبادی
۱۴۴	..... ۸-۴. ابومنصور طبرسی
۱۴۷	..... ۹-۴. عماد الدین طبری
۱۵۰	..... ۱۰-۴. ابن شهر آشوب سروی
۱۵۶	..... ۱۱-۴. جمال الدین ابن خلیفه ارمی
۱۵۷	..... ۱۲-۴. قاضیان طبرستان و گرگان
۱۵۹	..... فصل پنجم: مکتب فقهی متکلمان در کاشان
۱۵۹	..... ۱-۵. ویژگی‌های عمومی
۱۵۹	..... ۲-۵. پادشاه رواندی
۱۶۱	..... ۳-۵. علی بن عبدالجبار طوسی
۱۶۲	..... ۴-۵. حسین بن عبدالجبار طوسی
۱۶۳	..... ۵-۵. سدید الدین قریب
۱۶۴	..... ۶-۵. عبدالجبار بن حسین طوسی

- ۱۶۵ ..... ۷-۵. احمد بن علی طوسی
- ۱۶۵ ..... ۸-۵. دیگر قاضیان خاندان طوسی
- ۱۶۷ ..... بخش سوم: مکتب فقهی اخباریه
- ۱۷۳ ..... فصل اول: مکتب اخباریه در ری و نواحی مرکزی ایران
- ۱۷۳ ..... ۱-۱. ویژگی های عمومی
- ۱۷۷ ..... ۲-۱. ابوبکر خزاعی
- ۱۷۹ ..... ۳-۱. شریف عبدالله حسینی
- ۱۷۹ ..... ۴-۱. ابوسعید نیشابوری
- ۱۸۳ ..... ۵-۱. مفید نیشابوری
- ۱۸۸ ..... ۶-۱. تاج الدین کیسکی
- ۱۹۰ ..... ۷-۱. حسکا ابن بابویه
- ۱۹۲ ..... ۸-۱. ابوطالب ابن بابویه
- ۱۹۴ ..... ۹-۱. ماگدیم رضی
- ۱۹۶ ..... ۱۰-۱. علی بن محمد خزاعی
- ۱۹۷ ..... ۱۱-۱. مرتضی بن داعی و برادرش مجتبی
- ۲۰۰ ..... ۱۲-۱. علی بن زیرک قمی
- ۲۰۲ ..... ۱۳-۱. بابویه بن سعد
- ۲۰۳ ..... ۱۴-۱. منتجب الدین رازی
- ۲۰۹ ..... فصل دوم: مکتب اخباریه در خراسان
- ۲۰۹ ..... ۱-۲. ویژگی های عمومی
- ۲۱۱ ..... ۲-۲. علی بن عبدالصمد سبزواری
- ۲۱۳ ..... ۳-۲. محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی
- ۲۱۵ ..... ۴-۲. علی بن علی بن عبدالصمد تمیمی
- ۲۱۷ ..... ۵-۲. ابوالبرکات مشهدی
- ۲۱۹ ..... ۶-۲. علی بن محمد ابن عبدالصمد بزرگ

- ۲۲۰ ..... ۷-۲. علی بن محمد ابن عبدالصمد کوچک
- ۲۲۲ ..... ۸-۲. حسین بن علی ابن عبدالصمد
- ۲۲۴ ..... ۹-۲. سید شرفشاه افضسی
- ۲۲۹ ..... بخش چهارم: محافل پیرو شیخ طوسی
- ۲۳۱ ..... فصل اول: نخستین مروجان فقه شیخ طوسی
- ۲۳۱ ..... ۱-۱. کوشش‌های ابو علی طوسی
- ۲۳۳ ..... ۲-۱. مروجان آثار طوسی در ایران
- ۲۳۷ ..... فصل دوم: پیروان شیخ طوسی در ری و نواحی مرکزی ایران
- ۲۳۷ ..... ۱-۲. ویژگی‌های عمومی
- ۲۳۸ ..... ۲-۲. عبدالجبار بن عبدالله رازی
- ۲۴۱ ..... ۳-۲. ابوالحسن جاسبی
- ۲۴۳ ..... ۴-۲. ابوالفتح رازی
- ۲۴۶ ..... ۵-۲. سید فضل الله راوندی
- ۲۵۰ ..... ۶-۲. شاذان بن جبرئیل قمی
- ۲۵۴ ..... ۷-۲. حسین بن علی زینوآبادی
- ۲۵۵ ..... فصل سوم: پیروان شیخ طوسی در خراسان
- ۲۵۵ ..... ۱-۳. ویژگی‌های عمومی
- ۲۵۶ ..... ۲-۳. عماد الدین ابن حمزه طوسی
- ۲۶۲ ..... ۳-۳. محمد بن حسین شوهانی
- ۲۶۳ ..... ۴-۳. نصیر الدین ابن حمزه طوسی
- ۲۶۸ ..... ۵-۳. قطب الدین کیزری
- ۲۷۳ ..... بخش پنجم: نقد در محافل اصولیه ایران
- ۲۷۷ ..... فصل اول: قطب الدین راوندی
- ۲۷۷ ..... ۱-۱. مروری بر زندگی و شخصیت راوندی

۲۸۰	..... ۲-۱. راوندی و اندیشه فقهی
۲۸۶	..... ۳-۱. مروری بر آثار فقهی راوندی
۲۹۳	..... فصل دوم: سدید الدین حمصی
۲۹۳	..... ۱-۲. مروری بر زندگی و شخصیت علمی حمصی
۲۹۶	..... ۲-۲. حمصی و نقد اصولی
۲۹۸	..... ۳-۲. حمصی در ستیز با تقلدی
۳۰۰	..... ۴-۲. حمصی و انتقاد هم اندیشان
۳۰۲	..... ۵-۲. شاگردان حمصی در محافل فقهی
۳۰۵	..... منابع پژوهش

## پیشگفتار

تاریخ فقه به مثابه شاخه ای از تاریخ فرهنگ اسلامی، در شمار راههای دشوارگذر در حیطه تاریخ به شمار می آید؛ همچون حیطه های مشابه در تاریخ فرهنگ، آنان که نوشته های تاریخی پدید آورده اند، عموماً گرایشی به ثبت وقایع و جریانهای فقهی نداشته اند، و آنان که فقه در بوته توجهشان قرار داشته، عموماً به مسائل تاریخی نمی نگرسته اند. بر جای ماندن نوشته های فقهی از برخی دوره های تاریخی فقه امامیه، در کنار آثار رجالی زمینه آن را فراهم آورده است تا برای آنان که در عصر حاضر به فقه تاریخی می نگرند، دستمایه ای ارزنده برای مطالعه در تاریخ آن دوره فراهم آید؛ اما این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که در باره همه دوره ها و همه سرزمینهای جهان اسلام شرایط اینچنین نیست. به عنوان نمونه، تاریخ فقه امامیه در نیمه اخیر سده پنجم هجری و سراسر سده ششم هجری از نظر منابع برجای مانده، چه نوشته های فقهی و چه متون جانبی با محدودیت روبه روست. به ویژه در باره سرزمینی چون ایران، که از حمله مغولان در آغاز سده ۷ق آسیب بسیاری را تحمل کرده، این محدودیت مضاعف گشته است.

در چنین شرایطی، زمینه ای مساعد وجود دارد تا دعوی سدید الدین حمصی مبنی بر اینکه تمامی عالمان امامیه پس از شیخ طوسی مقلد وی بوده اند، بسیار



جدی‌تر و واقع‌نماتر از آنچه هست برداشت گردد. کمبود یاد شده در منابع تاریخی از یک سو، و وجود چنین اظهارنظرهایی از سوی دیگر، موجب شده است تا جریان فقه امامی در دوره پس از شیخ طوسی، یعنی در نیمه دوم سده ۵ق و در طول سده ۶ق، تا زمان برآمدن ابن ادریس و نقادان همفکر او، جریانی سراسر رکود و تقلید از شیخ طوسی انگاشته شود.

در این نکته جای تردید نیست که شیخ طوسی، به مثابه شیخ الطائفه و به عنوان عالمی برجسته که تحولی بنیادین در فقه امامیه پدید آورد، تأثیر ماندگاری بر فقه پس از خود بر جای نهاد و موافقان و مخالفانش را وادار ساخت تا دیدگاههای او را مورد توجه قرار دهند. اما این برخورد که وجود مکاتب دیگر در کنار مکتب شیخ طوسی اساساً نادیده گرفته شود، و اینکه کوششهای شخصیت‌های متعلق به مکتب شیخ طوسی برای توسعه و تدقیق دیدگاههای وی، در سطح تقلید فروکاسته شود، دور از دقت تاریخی است.

مطالعه ای تاریخی در باره مکاتب فقه امامی در ایران در طی یک و نیم سده یاد شده، البته مطالعه ای بر محور شیخ طوسی خواهد بود، اما باید دو مسأله را دنبال کند: نخست اینکه مکتب فقهی شیخ طوسی تا چه میزان در محافل فقهی ایران نفوذ داشته و فقیهان ایرانی در دوره یاد شده تا چه حد در جهت تکمیل یا نقد نظریه های شیخ طوسی گام برداشته اند؟ پرسش دیگر اینکه مکتب فقهی متکلمان امامیه تا چه میزان در محافل فقهی ایران در دوره یاد شده نفوذ داشته و مکتب اصحاب حدیث تا چه حد بازماندگانی داشته است؟

با توجه به کاستی اطلاعات در باره تاریخ فقه امامی ایران در این دوره، لازم است در این پژوهش تاریخی، روشهای نسبتاً پیچیده تری مورد استفاده قرار گیرد و به طبع لازم است این روشهای پیچیده در حوزه مورد مطالعه، بومی گردد. از همین رو، پژوهش حاضر فرصتی انگاشته شده تا این بومی سازی روشها به عنوان مقدمه‌ای بر بحث، در قالب مباحث روش شناختی مطرح گردد. در این راستا مباحثی چون روش

## مقدمه

در طول یک سده پس از وفات شیخ طوسی، در اثر تبلیغ تعالیم و آثار فقهی او توسط کسانی چون فرزندش ابوعلی طوسی و برجسته ترین شاگرد ایرانی اش عبدالجبار رازی، آراء فقهی او چنان بر محافل امامیه، به خصوص در عراق و ایران سایه افکنده بود که گاه شائبه‌ای از تقلید در آن دیده می‌شد. همین ویژگی بود که سدید الدین حمصی از فقیهان سده ششم را واداشته بود تا در نقدی تند نسبت به هواداران مکتب طوسی، آنان را به دور اجتهاد و مقلد او محسوب دارد. این جمله پرشهرت را ابن طاووس در کشف المحجّه از او نقل کرده و تعبیرهای مشابهی نیز در آثار ابن‌ادریس آمده است.

اگرچه اظهار نظر حمصی گاه از سوی صاحب‌نظران به عنوان گزارشی تاریخی تلقی گردیده است، ولی به واقع باید آن را در حد انتقادی پرشور و اغراق‌آمیز از رکود نسبی فقه امامیه در سده ششم هجری تلقی کرد. نگاهی بر اسناد و شواهد تاریخی برجای مانده نشان می‌دهد که مکتب سید مرتضی نیز دوشادوش مکتب شیخ طوسی در سده ششم حضور داشته و اگر در تصویر تاریخی آن سده تحت الشعاع مکتب طوسی قرار گرفته، در واقع امر در کنار آن به حیات خود دوام بخشیده است.

افزون بر بازماندگان مکتب سید مرتضی، در طیف پیروان شیخ طوسی نیز آنچه دیده می‌شود، صرفاً در حد تقلید نمی‌تواند بود؛ به عنوان نمونه باید به فقیهی از پیروان شیخ همچون عماد الدین ابن‌حمزه طوسی اشاره کرد که در کتاب خود *الوسیله* در مواردی با نظر شیخ طوسی مخالفت کرده و در پاره‌ای موارد به طرح فروعی جدید نیز پرداخته و به واقع ویژگی‌های برجسته این کتاب، آن را در شمار یکی از کتب پرتداول در حوزه فقه امامی رقم زده است.

به هر تقدیر شکسته شدن فضای رکود و ایجاد حرکتی نو در فقه امامی در اواسط سده ششم، مرهون تلاشهای شخصیهایی نقاد چون قطب الدین راوندی و سدید الدین حمصی بوده است. با وجود آنکه نام راوندی به عنوان یکی از منتقدان در تاریخ فقه سده ششم مورد توجه قرار نگرفته، اما مطالعه آثار و اندیشه‌های بازمانده از او نشان می‌دهد که وی بی‌آنکه در تعبیرات خود دچار تندگویی گردد، با ظرافت اندیشه‌های فقیهان پیشین مکتب متکلمان و شیخ طوسی را به نقد و هم‌جنسی گرفته و مکتبی مستقل از آنان را سامان داده است. سدید الدین حمصی که در باره اندیشه‌های او آگاهی‌های محدودی به دست رسیده است، با انتقادات تند خود در کنار کسانی چون ابن ادریس زمینه‌ساز اصلاحاتی در فقه امامیه بود که در اواخر همان سده توسط عالمانی از ایران و عراق، و در رأس آنان ابن ادریس حلی پی گرفته شد و در سده بعد، زمینه‌های پیدایی مکتب حله را فراهم آورد.

آنچه در تحقیق حاضر دنبال می‌شود، بازسازی تصویر تاریخی محافل گوناگون فقه امامی در ایران، به خصوص محافل پیرو مکتب متکلمان است که نقش آنان به فراموشی سپرده شده است. این محافل در مراکز فرهنگی گوناگون ایران، به خصوص در ری و قزوین از نواحی مرکزی ایران، و نیز در خراسان و طبرستان وجود داشته، شخصیهایی مؤثر را به جهان فقه و اصول عرضه داشته است. در میان این کسان می‌توان به رجالی چون حسین بن مظفر حمدانی قزوینی، رشید الدین رازی، عمادالدین طبری و ابن‌شهر آشوب مازندرانی اشاره کرد.

## فصل اول: مباحث روش شناختی

### ۱-۱. روش نقد منابع و داده ها

مطالعه تاریخی، به اندازه ای به متون تاریخی وابسته است که در نگاهی سستی، گاه پژوهش تاریخی به مثابه ایجاد الفت میان مضامین متون تاریخی و گردهم آوری این مضامین پنداشته می شده است. در تلقی امروز از فعالیت یک پژوهشگر تاریخ، اگر متون تاریخی همه ابزار مورد استفاده او نیستند، اما همچنان بخش مهمی از ابزار را تشکیل می دهند. تحول رخ داده در سده های اخیر تنها این نیست که برای متون تاریخی رقیبانی به میدان آمده اند، بلکه خوشبینی نسبت به متون تاریخی کاهش یافته و نقد متون به عنوان یک ضرورت بیشتر احساس شده است. با وجود آنکه مکاتب گوناگون تاریخ پژوهی در باره چرایی و چگونگی این نقد مواضع مختلفی اتخاذ کرده و گاه حتی درجه بدبینی خود نسبت به متون را کاسته اند، اما ضرورت یاد شده همچنان برجای مانده است.

با وجود تحولات رخ داده در فلسفه تاریخ و روش پژوهشهای تاریخی، و مکاتب گوناگونی که در طی چند سده پای به عرصه نهاده اند، بخش مهمی از مباحث نقد متون شامل طبقه بندی آسیبها، شناخت زمینه ها و انگیزه های آسیب و شیوه های ردیابی این آسیبها در متون بدون افت و خیز محسوس، پیشرفتی روی به رشد داشته

است. در آنچه موضوع رساله حاضر است، مجال آن نیست که مکاتب تاریخ پژوهی با اختلاف مبانی فلسفی و روش شناختی شان مورد بحث قرار گیرد، اما آنچه به عنوان میراث مشترک تاریخ پژوهی در حیطه نقد متون فراچنگ آمده، در پیوستگی با موضوع رساله بومی سازی شده و در مواردی متناسب با زمینه بحث، بیش از آنچه در آثار تاریخ پژوهان دیده می شود، گسترش و تنوع یافته است.

در حیطه نقد متون در سنت تاریخ پژوهان دو سنخ مختلف نقد از یکدیگر متمایز می شود که در اصطلاح نقد بیرونی<sup>۱</sup> و نقد درونی<sup>۲</sup> نام گرفته است. اگر متنی مشخص را موضوع نقد بگیریم، نقد بیرونی در پاسخ به این پرسش است که این متن چه هویتی دارد و در ارتباط با موضوع بحث چه اندازه تناسب و کفایت دارد، در حالی که نقد درونی تنها به دنبال آن است که متن دارای چه پیامی است و این پیام چگونه باید رمزگشایی گردد؟ به تعبیر دیگر نقد بیرونی عهده دار ارزیابی متن و نقد درونی عهده دار تفسیر متن است.

زمانی این گونه تصور می شد که مرحله نقد درونی آنگاه آغاز می شود که متن ارزیابی شده و مرحله نقد بیرونی سپری شده است؛ اما امروزه تقدم و تأخر زمانی میان نقد بیرونی و نقد درونی ملحوظ نیست و تنها سنخیت متفاوت آنها مورد توجه است. نادر نیست مواردی که رمزگشایی سند و خوانش آن، زمینه ساز دست یافتن به داده هایی قابل تکیه در تعیین هویت کتاب و ارزیابی اعتبار آن است.

روش اتخاذ شده در این رساله بر مبنای سازوکار معمول در روش شناسی تاریخ استوار است؛ پایه اصلی بر مباحث «نقد متن»<sup>۳</sup> معمول میان پژوهشگران تاریخ نهاد شده و روشهای بازشناسی تحریف به ویژه با استفاده از الگوهای مطالعه تغییر در زیباشناسی تاریخی بسط یافته است.

<sup>۱</sup> External Criticism

<sup>۲</sup> Internal Criticism

<sup>۳</sup> Text Criticism